



# مذمت حقوق

دوره ۵ - شماره ۱۰ - بهار ۱۴۰۱

شماره چاپی: ۱۸۴۱ - ۳۷۸۳  
شماره الکترونیکی: ۱۹۲۲ - ۳۷۸۳

- مسئولیت مدنی کارشناس رسمی دادگستری در حقوق ایران و فرانسه با تاکید بر رویه قضایی حسن بادی، سپیده راضی، محمد مهدی پور
- همدلی‌های سعدی شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن مجید نجارزاده هنجنی
- حمایت کیفری از حق بر محیط‌زیست شیما نادری، مجید مطلبی
- تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی فرزانه دشتی، عبدالکریم شاحیدر
- آثار افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و آمریکا افشین مجاهد
- چالش‌های قضایی مقابله با جرایم زیست محیطی در حقوق کیفری ایران اسماعیل کشکولیان، عباس شیخ الاسلامی
- رویکرد حقوق هوایی بین‌المللی نسبت به مسئولیت ناشی از نشر ویروس کرونا در حمل و نقل هوایی یگانه سادات صفوی
- آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان محمدرضا بوربور
- میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا صادق فتیلی، سید محمد صالحی
- ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه سید جعفر هاشمی باجگانی، میثم سبحانی
- رویکرد سیاستگذاری‌های زیست محیطی در کاهش مخاطرات؛ راهبردها و رهیافت‌ها زهرا طلیعه علیا، داوود خرم دل
- قواعد فقهی کارا در مسئولیت اتلاف عمر اشخاص حمید سلیمانی، رحیمه عباسی بناری
- نقش نهادهای سازمان ملل متحد در پیشگیری از آلودگی‌های محیط زیستی ناشی از پسماندها به منزله امنیت زیست جهانی رستم علی اکبری، سید مهدی موسوی
- مبانی تصحیح قراردادهای غیرمعمود با تمسک به اطلاقات و عمومات شرعی سید علیرضا امین
- فناوری‌های نوین باروری-زیستی و حقوق کودک؛ درآمدی بر آینده کودکی در ایران مریم شعبان
- آسیب شناسی کیفرگذاری موجود در جرایم خانوادگی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵؛ از تبیین آسیب‌ها تا ارائه راهکارها مهدی مقفری اناری، محمد امینی زاده، علی عارفی مسکونی
- مجرای اصل صحت در معاملات با تاکید بر امکان جریان آن در شبهات حکمیة مانده چینی ساز، امید محمدی، قاسم شعبانی
- پیرامون نظریه بطلان تحقیقات مقدماتی در فرآیند دادرسی کیفری ایران (با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴) مسعود فدائی دهچشمه، امیر سلیمانی، حمیرا طاهری
- تأملی بر قانون حاکم بر تعهدات قراردادی عقد بیمه در ایران و ایالات متحده آمریکا فرزاد گرمی کلمتی، حامد بابانی
- بررسی تأسیس بیلمنت در نظام حقوقی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و تطبیق آن با نهاد امانت در حقوق ایران نسترن ارزانیان، مهساسادات نبوی
- معیار تفکیک جرم آدم‌ربایی از جرایم مشابه در نظام کیفری ایران احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی، علی پاپدارفرد
- درآمدی بر اصول و موانع استرداد مجرمین در حقوق بین الملل رضا علی پناه
- آثار کرونا بر عدالت کیفری اطفال و نوجوانان با نگاهی به حقوق ایالات متحده آمریکا پیمان دولتخواه پاشاکی
- جلوه‌های تغییر در سیاست کیفری افتراقی جرائم نیروهای مسلح ایران و ایالات متحده آمریکا با روش کیفرزدانی و جرم زدایی یاسر شاکری، علیرضا صالحی، غلامحسین رضایی



## Saadi Shirazi's Compatibilities with the Teachings of Modern Public Law

## همدلی‌های سعدي شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن

Majid Najjarzadeh Hanjani

Assistant Professor of Law, University of Science and Culture, Tehran, Iran

مجید نجارزاده هنجانی

استادیار گروه حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

M. Najjarzadeh@usc.ac.ir

### Abstract

Despite the fact that the teachings of public law as norms governing the structure and behavior of political power are rooted in the intellectual geography of the West and the history of modern centuries, traces of governmental studies can be traced in the opinions of Eastern thinkers of the past centuries, especially Iranian civilization. Among these, the works of Saadi Shirazi, a writer and thinker of the seventh century AH, have several propositions close to the teachings of modern public law that have been less studied and explained. The present study uses a library method to collect data and a descriptive and analytical method to formulate the discussion. As a result, Saadi Shirazi has striking similarities with the teachings of modern public law on the popular roots of government as the basis of its legitimacy and condition for its survival, and the need to respect the rights of the people as the functional norm of government and its emphasis on rationalism and meritocracy. In some anecdotes, he has even conceptualized modern norms such as freedom of criticism, the principle of legitimated expectations, and the principle of proportionality.

**Keywords:** People's Sovereignty, Public Law, Government, Saadi Shirazi, Politics.

### چکیده

به‌رغم اینکه آموزه‌های حقوق عمومی به‌عنوان هنجارهای حاکم بر ساختار و رفتار قدرت سیاسی، ریشه در جغرافیای فکری غرب و تاریخ قرون جدید دارد، می‌توان رگه‌هایی از اندیشه‌های دولت‌پژوهانه را در آراء اندیشمندان قرون گذشته شرق و به‌ویژه حوزه تمدنی ایران ردیابی کرد. از این میان، آثار سعدي شیرازی ادیب و اندیشمند قرن هفتم هجری، گزاره‌های متعددی قریب به آموزه‌های حقوق عمومی مدرن دارد که کمتر مورد مطالعه و تبیین قرار گرفته‌اند. پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای به جمع‌آوری داده‌ها و با روش توصیفی و تحلیلی به تدوین بحث پرداخته است. حاصل اینکه سعدي شیرازی در باور به ریشه مردمی حکومت به‌عنوان مبنای مشروعیت و شرط بقاء آن، لزوم رعایت حقوق مردم به‌عنوان هنجار عملکردی حکومت، تأکید بر خردگرایی و شایسته‌گزینی، قرابت‌های شگفت‌آوری با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن دارد و حتی در بعضی حکایت‌ها، هنجارهای مدرنی چون آزادی نقد، اصل رعایت انتظارات موجه و اصل تناسب را مفهوم‌پردازی کرده است.

**واژگان کلیدی:** حاکمیت مردم، حقوق عمومی، دولت، سعدي شیرازی، سیاست.

Received: 2021/12/20 - Review: 2022/04/10 - Accepted: 2022/06/20

دریافت مقاله: ۱۳۸۵/۰۱/۰۴ - بازنگری مقاله: ۱۳۸۶/۰۱/۱۰ - پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۰۱/۱۰ - ۱۴۰۱/۰۱/۰۴

ارجاع:

نچارزاده هنجی، مجید؛ (۱۴۰۱)، همدلی‌های سعدی شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن، تمدن حقوقی، شماره ۱۰.

## Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



## مقدمه

یکی از خلاءهای ادبیات حقوق عمومی در ایران، نپرداختن به مواضع اندیشمندان تاریخ اندیشه ایران است. این ضعف سبب نوعی وادادگی نظری در مقابل اندیشه‌های غیرایرانی حقوق عمومی و تبعاً تعریف نقطه شروع اندیشه‌ورزی حقوق عمومی در ورای مرزهای ایران است. این در حالی است که در تاریخ اندیشه و حکمت ایرانی نیز می‌توان رگه‌هایی از اندیشه‌ورزی در باب موضوعات حقوق عمومی را مشاهده کرد. البته این رویکرد را نباید به نوعی «ملی‌گرایی افراطی» متهم کرد. پُر واضح است که حقوق عمومی مدرن در تحولات تاریخی اروپای بعد از قرون وسطی و اندیشه‌های اندیشمندان چون جان لاک<sup>۱</sup>، مونتسکیو<sup>۲</sup>، ژان ژاک روسو<sup>۳</sup> و غیره ریشه دارد و به عبارت دیگر، حقوق عمومی در ساختار مفهومی و هنجاری کنونی، محصولی غیرایرانی و غربی است، اما این واقعیت، به معنای بی‌ریشه‌بودن گزاره‌های حقوق عمومی در سایر نقاط جغرافیای عالم و سایر دوره‌های تاریخی نیست. در واقع «درست است که حقوق عمومی به عصر جدید تعلق دارد و مبانی آن از اندیشه‌های لیبرالیسم عصر روشنگری الهام می‌گیرد، اما بی‌تردید موضوعات اصلی آن اختصاصی به عصر نو ندارد» (گرگی ازندریانی، ۱۳۹۳، ۶۲). خود اندیشمندان غربی حقوق عمومی نیز در روندشناسی بسیاری از مفاهیم و گزاره‌های حقوق عمومی، به دوره‌های زمانی قبل از رنسانس نظر انداخته و به ارائه تصویری از اندیشه‌های یونانی و رومی پرداخته‌اند.

- 
- 1- John Locke
  - 2- Charles de Montesquieu
  - 3- Jean Jacques Rousseau

چه اینکه به‌طور مثال ریشه‌های انگاره‌های حقوق طبیعی و فطری را می‌توان در یونان باستان جست‌وجو کرد و مفهوم‌شناسی عدالت در اندیشه‌های ارسطو<sup>۴</sup> به‌خوبی قابل مشاهده است و شیوه سازمان‌دهی دولت در جمهور افلاطون<sup>۵</sup> ارائه شده است.

این اهتمام به تاریخ اندیشه‌های حقوق عمومی غرب، مختص پژوهشگران غربی نبوده است، بلکه امروزه یافتن نظرات اندیشمندان غربی قبل از رنسانس، به زبان فارسی نیز کاری بسیار ساده است، اما مطالعات حقوق عمومی در ایران به‌ویژه در حوزه شناسایی مبانی فکری و سیر تاریخ اندیشه‌های حقوق عمومی ایرانی، با غفلتی بزرگ مواجه بوده و به عبارت دیگر، کاملاً برون‌گرا مانده است؛ به گونه‌ای که گویی در حوزه تمدنی ایران، هیچ اندیشمندی با دغدغه‌ها و اندیشه‌هایی از نوع دغدغه‌های حقوق عمومی وجود نداشته است.

اگر بپذیریم که اولین و شاید مهم‌ترین زمینه موضوعی بروز اندیشه‌های حقوق عمومی وجود پدیده‌ای به نام «دولت» است و «حقوق عمومی از دولت بر می‌خیزد و بر دولت نیز اعمال می‌گردد» (گرچی از ندریانی، ۱۳۹۳، ۱۰)، باید گفت در تاریخ ایران، این زمینه موضوعی وجود داشته است؛ تاریخ ایران، نشان‌ها و گزارش‌های موثقی راجع به شکل‌گیری دولت‌های باثبات و بزرگ ایرانی ارائه می‌کند. البته ممکن است استدلال شود که در تاریخ ایران به‌رغم وجود دولت، اندیشه‌های دولت‌پژوهانه به دلایلی (عمدتاً فرهنگی)، امکان بروز و توان بلوغ نداشته‌اند. گذشته از درستی یا نادرستی این ادعا باید گفت حتی نظریاتی که قائل به امتناع تفکر در فرهنگ ایران هستند و اندیشه سیاسی ایران را در مجموع با عنوان «زوال» توصیف کرده‌اند نیز، به وجود نمونه‌هایی از اندیشه سیاسی اذعان داشته‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۵). در نقطه مقابل نیز برخی ادعا کرده‌اند که «اندیشه سیاسی در ایران به علت قدمت تمدنی، دارای ابعاد و منابع متعدد است» (افتخاری، ۱۳۸۵، ۹). چه اینکه نظری اجمالی در اندیشه‌های بزرگانی چون فردوسی طوسی، ابونصر فارابی، خواجه نظام‌الملک، عنصرالمعالی، سعدی شیرازی و غیره گزاره‌های حقوق عمومی بسیاری را در برابر چشم پژوهشگر قرار می‌دهد که متأسفانه آن گونه که باید، تبیین و شناخته نشده‌اند؛ بنابراین خلأ پیش‌گفته را نباید به فقدان اندیشه دولت‌پژوهانه نسبت داد بلکه به نظر می‌رسد این خلأ، بیشتر ناشی از عدم تبیین مناسب و کافی این گونه اندیشه‌ها است. فلذا می‌توان تصدیق کرد که «حقوق عمومی در ایران

4- Aristotle

5- Plato

فاقد خودآگاهی ملی و تاریخی است» (گرگی ازندریانی، ۱۳۹۳، ۶).

با توجه به مطالب فوق و به منظور ارتقاء خودآگاهی ملی و تاریخی در عرصه حقوق عمومی، پژوهش پیش‌رو بر این فرض بنیادین استوار است که «... عقلانیت تنها غربی نیست و غیره سنت ایرانی نیز تحلیل‌های بسیار عمیقی راجع به حکومت‌مندی دارد...» (رهبر و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۷۹). فلذا به‌طور ویژه این پژوهش باور دارد که سعدی شیرازی، آن‌گونه که بیشتر مشهور است، فقط یک شاعر و ادیب نیست بلکه می‌توان از منظر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاست و حقوق (عمومی) نیز اندیشه‌های او را موضوع توصیف و مورد تحلیل قرار داد. چه اینکه «... گفتمان حکومتی را می‌توان یکی از پُررنگ‌ترین و اصلی‌ترین گفتمان‌های تعریف شده در گلستان دانست» (فقیه ملک‌مرزبان و فردوسی، ۱۳۹۱، ۱۴). شایان ذکر است که هدف این پژوهش، تبیین آن قسمت از اندیشه‌های سعدی شیرازی است که با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن سازگاری دارند. فلذا باید در نظر داشت که ممکن است برخی اندیشه‌های سعدی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن در تعارض باشند که این موارد در قلمرو این پژوهش قرار ندارند و پرداختن به آن‌ها مجال دیگری می‌طلبد.

## ۱- دولت در زمانه سعدی

برای توصیف و تحلیل اندیشه‌های حقوق عمومی سعدی، ابتدائاً لازم است که مقتضیات زمانه سعدی شناخته شود. چراکه اندیشه‌های هر اندیشمندی (مثبت یا منفی) متأثر از عوامل تاریخی و فرهنگی عصر اوست. در عصر سعدی (قرن هفتم هجری قمری برابر با قرن سیزدهم میلادی)، «... مقارن با حمله مغولان به ایران، خوارزمشاهیان بر قسمت اعظم سرزمین ایران تسلط مستقیم داشته‌اند، اما در مناطقی از ایران، حکومت در دست اتابکانی بود که مطیع حکومت مرکزی بودند و خراج پرداخت می‌کردند» (ظهیری‌ناو و پاک‌مهر، ۱۳۸۷، ۱۰۳). به عبارت دیگر در زمانه سعدی، ایران به صورت ملوک‌الطوایفی اداره می‌شد که هریک از حکام آن، مصداق حاکمیت استبدادی بودند؛ «... به این صورت که شاه (سلطان) در رأس تمام تشکیلات قرار داشت و برای اجرای امور امنیتی و مالی خود دیوان‌هایی را به وجود می‌آورد» (مختاری، ۱۳۷۸، ۹۳). بر این اساس «... گفتمان موجود در گلستان نیز به‌طور مشخص، براساس ویژگی‌های سلطنت استبدادی به نمایش گذاشته می‌شود» (فقیه ملک‌مرزبان و فردوسی، ۱۳۹۱، ۳۲).

سعدی اگرچه، حاکم دیار خود «ابوبکر بن سعد بن زنگی» را به القابی چون «خداوند جهان و قطب دایره زمان و قائم‌مقام سلیمان و ناصر اهل ایمان و شاهنشاه معظم، اتابک اعظم، مظفرالدین و الدین»

می‌ستاید (سعدی، ۱۳۷۵، ۱۷)، اما نمونه‌های زیادی از حاکمیت‌های مطلقه و استبداد حاکمان ارائه کرده است؛ برای مثال در حکایتی از یکی از ملوک عجم یاد می‌کند که «... دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده تا به جایی که خلق از مکاید ظلمش به جهان برفتند و از کُربت جورش راه غربت گرفتند» (سعدی، ۱۳۷۵، ۴۶). در جای دیگر از ظلم حاکمی حکایت می‌کند که خواب و مُرده‌اش بهتر از بیداری و زندگی او است؛

«ظالمی را خفته دیدم نیم‌روز / گفتم این فتنه است خوابش بُرده به

وان که خوابش بهتر از بیداری است / آن چنان بد زندگانی، مُرده به» (سعدی، ۱۳۷۵، ۵۴)

در نمونه‌ای دیگر از استبداد حاکمیت، از پادشاهی حکایت کرده که «... به کُشتن بی‌گناهی فرمان داد» (سعدی، ۱۳۷۵، ۸۶). استبداد رأی حگام در زمانه سعدی، به حدی رایج بوده است که در یکی از حکایت‌ها، اظهار نظر برخلاف نظر حاکم، برابر با مرگ تلقی شده است؛ «خلاف رای سلطان، رای جستن / به خون خویش باشد دست شستن» (سعدی، ۱۳۷۵، ۸۸).

سعدی در بوستان نیز از حاکمان مستبد گزارش‌هایی ارائه کرده است. به‌عنوان نمونه؛

«حکایت کنند از جفاگستری / که فرماندهی داشت بر کشوری

در ایام او روز مردم چو شام / شب از بیم او خواب مردم حرام» (سعدی، ۱۳۷۰، ۷۰).

بنابراین فارغ از برخی استثنائات احتمالی، سعدی در زمانه وواج حاکمیت‌های اقتدارگرا می‌زیسته است.

## ۲- مقتضیات شخصیتی سعدی

علاوه بر تبیین مقتضیات سیاسی زمانه سعدی، شناخت ویژگی‌های شخصیتی سعدی نیز در تحلیل اندیشه‌های حقوق عمومی او، راهگشا است؛ سعدی، برخلاف بسیاری از بزرگان ادب پارسی که خلوت‌گزیده و خراباتی و صوفی‌مسلك بوده‌اند، اساساً شخصیتی برون‌نگر و اجتماعی داشته است. مصداق بارز این ویژگی شخصیتی، سفرهای متعدد او و دیدن و شنیدن حکایت‌های بسیار اجتماعی از نقاط مختلف جغرافیای شناخته شده زمانه او است. به‌عنوان نمونه در باب «در سیرت پادشاهان گلستان، از یکی از ملوک خراسان (سعدی، ۱۳۷۵، ۳۵)، از یکی از ملوک عرب (سعدی، ۱۳۷۵، ۵۰ و ۸۰)، از مسجد جامع دمشق (سعدی، ۱۳۷۵، ۵۲)، از بغداد (سعدی، ۱۳۷۵، ۵۳)، از ملک زوزن (سعدی، ۱۳۷۵، ۷۷)، از هارون‌الرشید (سعدی، ۱۳۷۵، ۹۰ و ۹۴) و از اسکندر رومی (سعدی، ۱۳۷۵، ۹۸) حکایت کرده است. در بوستان نیز خود به این دنیادیدگی اذعان می‌کند که؛ «در اقصای عالم بگشتم بسی / به سر بردم ایام با هر کسی» (سعدی، ۱۳۷۰، ۹).

در باب «در عدل و تدبیر و رای» بوستان نیز از کسی حکایت می‌کند که «ز دریای عمان آمد...» (سعدی، ۱۳۷۰، ۲۴). از گریستن «سلطان روم» نزد «نیکمردی ز اهل علوم» حکایت می‌کند (سعدی، ۱۳۷۰، ۴۰). از «خردمند مردی در اقصای شام» حکایت می‌کند (سعدی، ۱۳۷۰، ۴۲). از قحط سالی دمشق می‌گوید (سعدی، ۱۳۷۰، ۴۴). از آتش‌سوزی بغداد می‌گوید (سعدی، ۱۳۷۰، ۴۶) و از امیری در مصر حکایت می‌کند (سعدی، ۱۳۷۰، ۵۷).

بنابراین سعدی، جهان‌دیده بوده و چشم و گوش اجتماعی داشته است. این ویژگی شخصیتی، او را نسبت به موضوعات اجتماعی و سیاسی، دغدغه‌مند کرده است؛ «اختصاص دادن فصلی جداگانه از گلستان (در سیرت پادشاهان) به بررسی نظام اجتماعی و ساختار و نظم سیاسی همسو با آن، نشانگر دغدغه و دل‌مشغولی سیاسی - اجتماعی نویسنده آن است که خواهان استقرار جامعه‌ای بر مدار عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی است» (نورایی، ۱۳۹۱، ۴۷۰). همچنین اختصاص باب اول «بوستان» به موضوع «در عدل و تدبیر و رای» نشانگر اهتمام ویژه سعدی به امور عمومی و حکومتداری است. او در این دو اثر «... سعی می‌کند با عقلانیتی میانه اما عملی، آینه‌ای در برابر پادشاه بگذارد و به او یاد دهد که چگونه و با چه صفاتی می‌تواند غایت فضیلت‌مندانه سیاست را پاس دارد» (رهبر و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۸۷).

گذشته از ابعاد اجتماعی شخصیت سعدی، باید به اعتقادات و تعلقات دینی او نیز توجه داشت. سعدی گلستانش را با «منت خدای را عزوجل» می‌آغازد (سعدی، ۱۳۷۵، ۱۳) و از «محمد مصطفی صلی‌الله علیه و سلم» خیر نقل می‌کند (سعدی، ۱۳۷۵، ۱۵). بوستان را نیز «به نام خداوند جان آفرین» می‌گشاید (سعدی، ۱۳۷۰، ۲) و در ادامه ذیل عنوان «ستایش پیغمبر صلی‌الله علیه و آله» به مدیحه‌گویی می‌پردازد (سعدی، ۱۳۷۰، ۶). نمونه‌های زیادی از خدا‌باوری و دین‌گرایی سعدی در حوزه حکومتداری قابل ارائه است؛ به‌طور مثال در بوستان یکی از ملاک‌های انتصاب عمال حکومتی را «خداترسی» معرفی کرده و بدان توصیه کرده است؛ «خدا ترس را بر رعیت گمار/ که معمار مُلک است پرهیزگار» (سعدی، ۱۳۷۰، ۲۰).

«خدا ترس باید امانت‌گزار/ امین کز تو ترسد امینش مدار

امین باید از داور اندیشناک/ نه از رفیع دیوان و زجر و هلاک» (سعدی، ۱۳۷۰، ۲۲).

در جای دیگری نیز داشتن دغدغه‌های دینی را از وظایف دولت معرفی می‌کند؛ «خداوند دولت، غم دین خورد/ که دنیا به هر حال می‌بگذرد» (سعدی، ۱۳۷۰، ۶۹).



در گلستان نیز به حاکم ظالم، نهیب خداترسی می‌زند که؛ «زورت ار پیش می‌رود با ما/ با خداوند غیب‌دان نرود» (سعدی، ۱۳۷۵، ۸۱).

بنابراین و با توجه به دو ویژگی جهان‌دیدی و تعلقات مذهبی، می‌توان گفت «سعدی... از یک سو به واسطه سیر آفاق و انفس و ژرف‌نگری در احوال اقوام و ملل مختلف طی سفرها و از سوی دیگر به جهت تأثیر آموزه‌های دینی و اخلاقی، همچون جامعه‌شناسی آگاه، به تحلیل اعمال مردان سیاست می‌پردازد و دردهای اجتماعی را به میدان نقد می‌کشاند» (صفری‌نژاد، ۱۳۸۹، ۲۱۷).

### ۳- منشأ حاکمیت؛ از گنج و مُلک و حشم تا اراده مردم

یکی از موضوعات مهم حقوق عمومی، منشأشناسی حاکمیت است که موضوع نظریه‌پردازی‌های گوناگون حاکمیت شخصی، گروهی، الهی و مردمی بوده است. سعدی در این باب به روشنی به تبیین نظر خود پرداخته است. «... توجه سعدی به دستگاه حکومت از پایین به بالا (مردم-حاکم) است و تأکیدش بیشتر بر روی مردم است» (ذبیح‌نیا عمران و سنگکی، ۱۳۹۱، ۱۹۹).

سعدی در حکایتی از زبان وزیر از مُلک می‌پرسد که؛ «هیچ توان دانست فریدون که گنج و مُلک و حشم نداشت چگونه بر وی مملکت مقرر شد؟ گفت: چنان که شنیدی خلقی بر او به تعصب گرد آمدند و تقویت کردند و پادشاهی یافت» (سعدی، ۱۳۷۵، ۴۷). در این مکالمه، منشأ و مبنای حاکمیت، اراده مردم معرفی شده است و به صورت تلویحی، ثروت (گنج و مُلک) و نیروی اداری و نظامی (حشم) به عنوان منشأ نامشروع حاکمیت معرفی شده‌اند. در ادامه این مکالمه، وزیر از مُلک می‌پرسد: «ای مُلک! چون گرد آمدن خلقی موجب پادشاهی است تو مر خلق را پریشان برای چه می‌کنی؟ مگر سر پادشاهی کردن نداری؟» (سعدی، ۱۳۷۵، ۴۷). سعدی با طرح این سوال از زبان وزیر، قصد تأکید بر این نکته دارد که نه فقط منشأ حاکمیت، اراده مردم است، بلکه شرط بقاء حکومت نیز رضای مردم است. در این حکایت، نوع نگاه سعدی به نقش مردم در حکومت، کاملاً متفاوت با اندیشه رایج زمانه‌اش است. به گونه‌ای که می‌توان گفت «با توجه به شواهد و دلایل حکایت فوق، سعدی مفهوم شهروندی را در ابتدائی‌ترین و مقدماتی‌ترین صورت آن عرضه می‌کند... و اگر اغراق نباشد تعبیر او بیشتر با دریافت‌های دوران جدید همخوانی دارد تا آنچه متعلق به فضای فکری-فلسفی و سیاسی عصر سعدی است. دریافت سعدی از رابطه حاکم و مردم مبتنی بر دوگانه ارباب-رعیت نیست و این نکته به وضوح در حکایت بالا پیداست» (نورایی، ۱۳۹۱، ۴۶۵).

البته سعدی از اهمیت قوای نظامی در تحقق حاکمیت نمی‌گذرد، اما مطلوبیت این نیروی نظامی را نیز



در «جان‌پروری» می‌بیند؛ همان به که لشکر به جان‌پروری / که سلطان به لشکر کند سروری» (سعدی، ۱۳۷۵، ۴۷). فلذا حکایت را این‌گونه و با طرح سوالی در خصوص چگونگی گرد آمدن نیروی نظامی و مردم، پیش می‌برد؛ «ملک گفت: موجب گرد آمدن سپاه و رعیت چه باشد؟ گفت: پادشه را کرم باید تا بر او رعیت گرد آیند و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشینند...» (سعدی، ۱۳۷۵، ۴۷ و ۴۸). در این مکالمه اگرچه سوال پادشاه راجع به نحوه گرد آمدن دو موضوع (نیروی نظامی و مردم) است، اما پاسخی که سعدی از زبان وزیر ارائه می‌دهد صرفاً ناظر بر نحوه گرد آمدن مردم است. گویی سعدی تعدد دارد که تأکید کند که مردم‌داری پادشاه برای هر دو منظور کافی است. مردم‌داری، هم سبب گرد آمدن مردم خواهد شد و هم سبب گرد آمدن سپاه.

سعدی در آخرین حکایت باب «در سیرت پادشاهان» نیز از اسکندر رومی نقل می‌کند که از او «... پرسیدند که دیار مشرق و مغرب به چه گرفتی که ملوک پیشین را خزائن و عمر و لشکر بیش از این بود و چنین فتی میسر نشد؟» (سعدی، ۱۳۷۵، ۹۸). اسکندر پاسخ می‌دهد که «... هر مملکت را که بگرفتم رعیتش نیازدم...» (سعدی، ۱۳۷۵، ۹۸). در این حکایت کوتاه، سعدی در واقع معیارهایی مثل افزونی مال و خزائن حکومتی و قدرت نظامی را برای اقتدار حکومت نفی و ملاک اصلی اقتدار را مردم‌داری معرفی می‌کند. سعدی در جای دیگری نیز اعتقاد راسخ خود به منشأ مردمی حاکمیت را با ابیاتی شاهکار به تصویر کشیده است؛ «برو پاس درویش محتاج دار / که شاه از رعیت بُود تاجدار» (سعدی، ۱۳۷۰، ۱۸). در بیت فوق، تاجداری و حاکمیت پادشاه تاجدار، به رعیت ارجاع شده است. در واقع سعدی به صراحت بیان می‌کند که تاجداری تاجدار و به زبان امروزی حاکمیت حکومت، وابسته به رعیت و به زبان امروزی، مردم است. برای تبیین این معنا چه مثالی بهتر از اینکه حکومت همچون درختی است که ریشه آن مردم است؛ «رعیت چو بیخ‌اند و سلطان درخت / درخت‌ای پسر باشد از بیخ سخت» (سعدی، ۱۳۷۰، ۱۸). فلذا باید اذعان کرد که سعدی «... با نگاهی انسانی، مشروعیت حکومت را با تمام ساختارها و سازه‌های استبدادی و شبانی ایرانی به مردم ارجاع می‌دهد. او ریشه مشروعیت حکومت را مردمی می‌گیرد...» (رهبر و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۸۰).

#### ۴- محوریت حقوق مردم در اعمال حاکمیت

سعدی تأکیدهای فوق‌العاده‌ای بر محوریت حقوق مردم در فرایند اعمال قدرت ارائه کرده است. او باور راسخش را به شرط مردم‌داری و رعایت حقوق مردم برای بقای حاکمیت با سرایش این بیت در یکی از حکایات گلستان نشان می‌دهد؛ «پادشاهی که طرح ظلم افکند / پای دیوار مُلک خویش بگند» (سعدی،

سعدی در این حکایت از زبان یک وزیر، مَلِک را به مردم‌داری توصیه می‌کند اما؛ «مَلِک را پند وزیر ناصح، موافق طبع نیامد. روی از این سخن در هم کشید و به زندانش فرستاد» (سعدی، ۱۳۷۵، ۴۸). گویی سعدی قصد دارد آثار سخت‌گیری بر مردم را به تصویر کشد. پس ادامه می‌دهد که پسرعموهای مَلِک به دنبال مَلِک پدر «به منازعت برخواستند و مَلِک پدر خواستند» (سعدی، ۱۳۷۵، ۴۸) و به دنبال آنان مردمی که از ظلم مَلِک «... به جان آمده بودند و پریشان شده، بر ایشان گِرد آمدند و تقویت کردند...» (سعدی، ۱۳۷۵، ۴۸). به دنبال این قیام، مَلِک از اختیار مَلِک خارج شد و به دست حاکمان جدید افتاد. با به تصویر کشیدن این سرانجام، در واقع سعدی نتیجه نامبارک بی‌اعتنایی به حقوق مردم را به حاکمان متذکر می‌شود و در پایان این حکایت می‌سراید که؛

«پادشاهی کوروا دارد ستم بر زیردست/ دوستدارش روز سختی دشمن زورآور است  
با رعیت صلح کن وز جنگِ خصم ایمن نشین/ زان که شاهنشاه عادل را رعیت لشگر است» (سعدی، ۱۳۷۵، ۴۸).

با توجه به وابستگی حکومت به مردم، سعدی در بوستان نیز هشدار می‌دهد که اگر حکومت، مردم‌دار نباشد، تیشه به ریشه خود می‌زند؛ «مگن تا توانی دل خلق ریش/ وگر می‌گنی می‌گنی بیخ خویش» (سعدی، ۱۳۷۰، ۱۸)؛ بنابراین حاکم خردمند به رنج و مصیبت مردم رضا نمی‌دهد چراکه آسیب زدن حکومت به مردم، در واقع آسیب زدن به حکومت است. فلذا حاکم خردمند حاکمی است که؛ «گزند کسانش نیاید پسند/ که ترسد که در مَلکش آید گزند» (سعدی، ۱۳۷۰، ۱۹). سعدی مکرراً بر لزوم مردم‌داری بر این مبنا که آن‌ها پشتیبان واقعی حکومت هستند تأکید کرده است؛ «رعیت نشاید به بیداد گشت/ که مرسلطنت را پناهند و پشت» (سعدی، ۱۳۷۰، ۱۹). در جای دیگری نیز تصریح می‌کند که اگر مظلوم دادخواه از حکومت ناراضی باشد، امکان بقاء حکومت از بین خواهد رفت؛ «پریشانی خاطر دادخواه/ براندازد از مملکت پادشاه» (سعدی، ۱۳۷۰، ۳۷). همچنین از زبان خسرو خطاب به شیرویه، اصل مردم‌داری و در نظر داشتن صلاح مردم و رعایت حقوق آن‌ها در تمام امور را توصیه کرده و همراهی مردم با حکومت را وابسته به آن دانسته است؛

«شنیدم که خسرو به شیرویه گفت/ در آن دم که چشمش ز دیدن بخفت

بر آن باش تا هرچه تیت گئی/ نظر در صلاح رعیت کنی

الا تا نیچی سر از عدل و رای/ که مردم ز دستت نیچند پای» (سعدی، ۱۳۷۰، ۱۹).

سعدی در یکی از حکایات باب «در سیرت پادشاهان»، از زبان یک درویش و خطاب به یک پادشاه،

وظیفه حکام را پاسداری از مردم دانسته و می‌گوید: «... ملوک از بهر پاس رعیتند نه رعیت از بهر طاعت ملوک» (سعدی، ۱۳۷۵، ۸۴). پس می‌سراید؛

«پادشه پاسبان درویش است / گرچه نعمت به فر دولت اوست

گوسفند از برای چوپان نیست / بلکه چوپان برای خدمت اوست» (سعدی، ۱۳۷۵، ۸۵).

در باب «در آداب صحبت» نیز آورده است که «شاه از بهر دفع ستمکاران است» (سعدی، ۱۳۷۵، ۳۴۵). سعدی در بوستان و در باب اول آن یعنی «در عدل و تدبیر و رای» لزوم توجه حکومت به مردم را از زبان انوشیروان به هرمز چنین مورد تأکید قرار می‌دهد:

«شنیدم که در وقت نزع روان / به هرمز چنین گفت نوشیروان

که خاطر نگهدار درویش باش / نه در بند آسایش خویش باش

نیاساید اندر دیار تو کس / چو آسایش خویش جویی و بس

نیاید به نزدیک دانا پسند / شبان خفته و گرگ در گوسفند» (سعدی، ۱۳۷۰، ۱۸).

سعدی افرادی را که مردم از ظلم آن‌ها رنجور شده‌اند، شایسته ریاست نمی‌داند؛ «ریاست به دست کسانی خطاست / که از دستشان دست‌ها بر خداست» (سعدی، ۱۳۷۰، ۲۰). او بر برخورد قاطع با عاملان و مأموران ظالم حکومت، تأکید شدید و غلیظی دارد و مسامحه با آن‌ها را جایز نمی‌داند. این شدت و غلظت، حساسیت او را نسبت به حقوق مردم نشان می‌دهد؛

«مکن صبر بر عامل ظلم دوست / که از فریبهی بایدش کند پوست

سر گرگ باید هم اول بُرید / نه چون گوسفندان مردم درید» (سعدی، ۱۳۷۰، ۲۰).

سعدی در خصوص لزوم مردم‌داری، مردم را به درختی تشبیه کرده که آسیب زدن به آن نادانی است و ضربه به خود؛

«رعیت درخت است اگر پروری / به کام دل دوستان بر خوری

به بی‌رحمی از بیخ و بارش مکن / که نادان کند حیف بر خویشتن» (سعدی، ۱۳۷۰، ۳۵).

او اعتقاد خود به مردم‌داری را در لزوم اجتناب از مردم‌آزاری این‌گونه تکرار می‌کند؛

«میازار عامی به یک خردله / که سلطان شبان است و عامی گله

چو پرخاش بینند و بیداد از او / شبان نیست، گرگ است فریاد از او

بد انجام رفت و بد اندیشه کرد / که با زبردستان جفا پیشه کرد» (سعدی، ۱۳۷۰، ۴۷).

## ۵- از سیاست‌های سخت‌گیرانه تا مهاجرت نخبگان و فرار سرمایه

سعدی شیرازی در یکی از حکایت‌های باب «در سیرت پادشاهان» گلستان، از یکی از «ملوک عجم» روایت می‌کند که «دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده». این ظلم و ستم چنان زیاد بوده که پدیده وطن‌گریزی و مهاجرت شایع می‌شود و به قول سعدی «... خلق از مکاید ظلمش به جهان برفتند و از گُربت جورش راه غربت گرفتند». سعدی اثر این سخت‌گیری و در نتیجه وطن‌گریزی و مهاجرت را این‌گونه بیان می‌کند؛ «چون رعیت کم شد ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت و خزینه تهی ماند و دشمنان زور آوردند» (سعدی، ۱۳۷۵، ۴۶). در واقع سعدی اثر سیاست سخت‌گیری بر مردم را به دو دسته تقسیم کرده است؛ اولاً اثر داخلی که عبارت است از کاهش عایدات مالی کشور. ثانیاً اثر خارجی که عبارت است از افزایش فشارهای خارجی و بین‌المللی و شاید هم طمع بیگانگان.

سعدی فرایند جلوگیری از بروز چنین آثار سوئی را نیز در قالب دو بیت شعر ارائه می‌کند؛

«هر که فریادرس روز مصیبت خواهد/ گو در ایام سلامت به جوانمردی کوش

بنده حلقه به گوش ار نوازی برود/ لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش» (سعدی، ۱۳۷۵، ۴۷). سعدی در این دو بیت پُر مغز بر حاکمان تأکید می‌کند که اگر می‌خواهید از سختی‌ها و مسائل و بحران‌های کشور به سلامت عبور کنید، در دوران ثبات و وضعیت معمول کشور، «به جوانمردی کوش» و جوانمردی حکومت چیزی جز مردم‌داری و تساهل بر مردم نیست. او هشدار می‌دهد که وفادارترین نیروهایتان نیز «ار نوازی برود». از نظر سعدی، مهاجرت نخبگان نتیجه طبیعی عدم توجه به آن‌ها است. اهتمام و لطف به مردم و مخصوصاً نخبگان صرفاً واجد ویژگی حفظ آن‌ها نیست، بلکه سبب اقبال بیگانگان نیز خواهد شد؛ «لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش». باری! امروزه لطفی که بعضی حکومت‌ها ذیل سیاست جذب نخبگان دارند جاذبه‌ای است برای مهاجرت نخبگان بیگانه به کشورهای آنان.

این موضوع در ساحت اقتصادی و در خصوص جذب سرمایه و جلوگیری از فرار سرمایه نیز صدق می‌کند؛ سعدی در خصوص عدم رعایت حال تجار و بازرگانان، حکایت بازرگانی را بیان می‌کند که گرفتار راهزنان شده و از زبان درمانده او می‌گوید که؛ «شهنشه که بازارگان را بختست/ در خیر بر شهر و لشگر بیست» (سعدی، ۱۳۷۰، ۲۱) و به‌عنوان یکی از آثار سوء بی‌توجهی به مردم، از زبان این بازرگان مال‌باخته، به پدیده «فرار سرمایه» و «فرار مغزها» اشاره می‌کند؛ «کی آنجا دگر هوشمندان روند/ چو آوازه رسم بد بشنوند؟» (سعدی، ۱۳۷۰، ۲۱). سعدی معتقد است سرمایه (قارون) به مملکتی وارد می‌شود که

حکومتش دادگر باشد؛ «در آن مُلک، قارون برفتی دلیر/ که شه دادگر بود و درویش سیر» (سعدی، ۱۳۷۰، ۴۹). در نقطه مقابل، سعدی اثر اقتصادی سیاست‌های سخت‌گیرانه و بیدادگری را فرار سرمایه و رکود تولید معرفی می‌کند؛

«شنیدند بازارگانان خبر/ که ظلم است در بوم آن بی‌هنر  
بریدند از آنجا خرید و فروش/ زراعت نیامد، رعیت بسوخت» (سعدی، ۱۳۷۰، ۴۹).  
در نهایت نیز طمع دشمن بر این چنین حکومتی کارگر می‌افتد و؛  
«چو اقبالش از دوستی سر بتافت/ به ناکام، دشمن بر او دست یافت  
ستیز فلک بیخ و بارش بگند/ سُم اسب دشمن دیارش بگند» (سعدی، ۱۳۷۰، ۴۹-۵۰).  
سعدی، مردم‌داری را واجد آثار بین‌المللی و بازدارنده در مقابل تهدیدهای خارجی نیز می‌داند؛ او در باب «در سیرت پادشاهان» حکایتی از «یکی از ملوک عرب» نقل می‌کند که در مسجد جامع دمشق او را ملاقات کرده است و از سعدی می‌خواهد که «... خاطری همراه ما کن که از دشمن صعب‌اندیشناکم». سعدی در پاسخ به این التماس دعا برای دفع شرّ دشمن، اعتقاد راسخ خود را به مردم‌داری و نقش آن در دفع دشمن نشان می‌دهد و می‌گوید: «بر رعیت ضعیف رحمت کن تا از دشمن قوی زحمت نبینی».

در ادامه نیز با همین مضمون می‌سراید که؛

«به بازوان توانا و قوت سردست/ خطاست پنجه مسکین ناتوان بشکست  
نترسد آن که بر افتادگان نبخشايد/ که گر ز پای در آید، کسش نگیرد دست؟» (سعدی، ۱۳۷۵، ۵۲).  
در واقع و با ادبیات امروزی حکمرانی می‌توان گفت سعدی معتقد به همبستگی میزان سرمایه اجتماعی و اقتدار خارجی است. به این ترتیب که در صورت جلب سرمایه اجتماعی و حمایت و رضایت مردمی، اقتدار دولت در تعاملات بین‌المللی افزایش خواهد داشت. این باور راسخ سعدی به مردم‌داری، برخی پژوهشگران را واداشته است که اذعان کنند «یکی از مفاهیم کلیدی در آثار سعدی، سرمایه اجتماعی است...» (گراوند و همکاران، ۱۳۹۶، ۷۹).

## ۶- توسعه به‌مثابه آزادی

«آمارتیا سن»<sup>۶</sup> فیلسوف و اقتصاددان هندی معتقد است که آزادی‌های فردی نقشی اساسی در توسعه اجتماعی و اقتصادی دارند و توسعه بدون تضمین آزادی‌ها در جهات و انواع مختلف آن ممکن نیست

(سن، ۱۳۹۴). این باورها و نقشی که در تعدیل سیاست‌های بعضاً غیراخلاقی اقتصاد لیبرالیسم داشتند او را در ۱۹۹۸ میلادی شایسته دریافت جایزه صلح نوبل کرد، اما قریب هفتصد سال پیش از «آمارتیا سن»، رگه‌های این نوع از باور در اندیشه سعدی نضج گرفته بود؛ سعدی در زمانه‌ای که خبری از جایزه صلح نوبل نبود، اعتقاد داشت که اگر حاکمی طبع و منش مردم‌داری و پاسداری از حقوق مردم نداشته باشد امیدی به آسایش و گشایش در آن کشور نیست؛

«و گر در سرشت وی این خوی نیست / در آن کشور آسودگی بوی نیست

فراخی در آن مرز و کشور مخواه / که دلتنگ بینی رعیت ز شاه» (سعدی، ۱۳۷۰، ۱۹).

سعدی در جای دیگر از زبان یک صوفی روشن ضمیر خطاب به یکی از ملوک تأکید می‌کند که آسایش دولت ریشه در مردم‌داری دارد؛ «تو نا کرده بر خلق بخشایشی / کجا بینی از دولت آسایشی؟» (سعدی، ۱۳۷۰، ۵۶). او اقبال دولت را در آسایش خلق می‌داند؛ «کسی زین میان گوی دولت ربود / که در بند آسایش خلق بود» (سعدی، ۱۳۷۰، ۵۷). سعدی در جای دیگری، استفهام انکاری بسیار گوه‌رین و تاریخی را پیش کشیده است و انصاف در حکمرانی را به‌عنوان کارآمدترین سیاست معرفی کرده است و «بهره‌وری در آفاق» را منوط به آن می‌داند؛ «از آن بهره‌ورتر در آفاق کیست / که در مُلکرانی به انصاف زیست؟» (سعدی، ۱۳۷۰، ۲۰). نکته قابل تأمل در مصرع دوم این بیت، استفاده هوشمندانه و بی‌نظیر سعدی از واژه «مُلکرانی» است. درحالی‌که سعدی، هم به لحاظ زبان رایج عصر خود و هم به لحاظ اقتضائات وزنی شعر، می‌توانست از واژه «مُلکداری» استفاده کند، اما از استفاده از این واژه رایج و شاید قابل فهم‌تر اجتناب کرده و واژه نوینی را خلق می‌کند که بار معنایی عمیقی دارد؛ واژه «مُلکرانی». با این استفاده هوشمندانه، مخاطب نکته‌سنج و اهل اشارت، به‌خوبی دریافت می‌کند که سعدی اعتقادی به ایده «مالکیت حاکم بر کشور و رعیت» ندارد. رعیت، ملک حاکم نیست. حاکم مسئول اداره مُلک است. جالب است که امروزه این اندیشه و ظرافت کلامی را در ذهن پژوهشگران حقوق عمومی می‌بینیم که در ترجمه واژه انگلیسی «Governance» نه از معادل «حکومنداری» یا «حکومت کردن» بلکه از معادل «حکمرانی» استفاده می‌کنند تا به مسئولیت حاکمان در برابر شهروندان ذی‌حق در نظام‌های مردم‌سالار، تأکید کلامی داشته باشند. باری! واژه «مُلکرانی» سعدی در قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی)، همان عمق اندیشه را دارد که واژه «حکمرانی» حقوق‌دانان و فیلسوفان سیاست در قرن بیست و یکم میلادی.

## ۷- لزوم شناخت مردم و حذف فاصله حاکمان با مردم

سعدی در باب لزوم شناخت مردم حکایتی از پادشاهی دارا نقل می‌کند که روزی «ز لشکر جدا ماند روز شکار» (سعدی، ۱۳۷۰، ۳۶). گله‌بانی او را می‌بیند و دوان دوان به سوی او می‌آید، اما پادشاه که او را نشناخته گمان می‌برد که: «مگر دشمن است اینکه آمد به جنگ» (سعدی، ۱۳۷۰، ۳۶) و کمان کیانی را آماده می‌کند تا «ز دورش بدوزم به تیر خدنگ» (سعدی، ۱۳۷۰، ۳۶)، اما گله‌بان به موقع خود را معرفی می‌کند؛ «من آنم که اسبان شه پرورم/ به خدمت بدین مرغزار اندرم» (سعدی، ۱۳۷۰، ۳۶). پس از این شناخت، گله‌بان زبان به نصیحت پادشاه می‌گشاید و به او یادآوری می‌کند که شرط بزرگ بودن این است که کوچک ترها را بشناسی؛ «چنان است در مهتری شرط زیست/ که هر کهتری را بدانی که کیست» (سعدی، ۱۳۷۰، ۳۶). سپس با کنایه به پادشاه طعنه می‌زند که من که یک گله‌بانم تک تک اسبانم را در میان صد هزار اسب می‌شناسم؛ «توانم من‌ای نامور شهریار/ که اسبی برون آرم از صد هزار» (سعدی، ۱۳۷۰، ۳۶). در ادامه هم مقدمه رسیدن به این شناخت را عقل و تدبیر معرفی می‌کند؛

«مرا گله‌بانی به عقل است و رای/ تو هم گله خویش باری بیای

در آن تخت و مُلک از خلل غم بُود/ که تدبیر شاه از شبان کم بُود» (سعدی، ۱۳۷۰، ۳۷).

## ۸- از مردم‌داری حکومت تا نشاط اجتماعی

یکی از حوزه‌های تقریباً نوین مطالعات توسعه، «اقتصاد شادی»<sup>۷</sup> است؛ به گونه‌ای که «در سال‌های اخیر یکی از مهیج‌ترین شاخص‌هایی که در اقتصاد معرفی شده است، شاخص شادی می‌باشد» (منصف و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۶). البته این نوع مطالعات محدود به عرصه اقتصادی نبوده و عرصه پژوهش‌های سیاسی نیز از آن استقبال کرده‌اند تا تأثیر مؤلفه‌های سیاسی را بر سطح شادی و نشاط فردی و اجتماعی مورد سنجش قرار دهند. گذشته از چیستی و چگونگی این گونه مطالعات، شگفت‌انگیز است که ذهن سعدی شیرازی در قرن هفتم هجری، با چنین تحلیل‌هایی بیگانه نبوده است؛ سعدی معتقد است که بین «ظلم حاکم» و «خنده مردم» رابطه منفی وجود دارد؛ «ید ظلم جایی که گردد دراز/ نبینی لب مردم از خنده باز» (سعدی، ۱۳۷۰، ۴۲). سعدی در بوستان از دو برادر حکایت می‌کند که شاهزاده بودند و هر دو در صفات خَلقی شبیه هم؛ «سپهدار و گردن کش و پیل تن/ نکو روی و دانا و شمشیر زن» (سعدی، ۱۳۷۰، ۴۸). پدر



ایشان، قلمروی خویش را به دو قسمت کرد و به هریک واگذار کرد تا؛ «مبادا که بر یکدگر سرکشند/ به پیکار، شمشیر کین برکشند» (سعدی، ۱۳۷۰، ۴۸). پس از فوت پدر، هریک از این دو شاه جوان به‌رغم شباهت‌های خلقی‌شان، سیاست و خُلق حکومتداری متفاوت از دیگری پیش گرفتند؛ «یکی عدل تا نام نیکو بُرد/ یکی ظلم تا مال گرد آورد» (سعدی، ۱۳۷۰، ۴۸). سعدی سیاست مردم‌دارانه و عادلانه برادر اول را به این ترتیب به تصویر کشیده است؛

«یکی عاطفت سیرت خویش کرد/ درم داد و تیمارِ درویش کرد  
 بنا کرد و نان داد و لشگر نواخت/ شب از بهر درویش، شبخانه ساخت  
 خزائن تهی کرد و پر کرد جیش/ چنان کز خلایق به هنگام عیش  
 ... نیامد در ایام او بر دلی/ نگویم که خاری که برگ گلی» (سعدی، ۱۳۷۰، ۴۸-۴۹).  
 و در نهایت، به‌عنوان آثار چنین سیاستی به شادمانی مردم اشاره می‌کند که «برآمد همی بانگ شادی  
 چو رعد» (سعدی، ۱۳۷۰، ۴۹).

## ۹- شایسته‌گزینی و خردگرایی

امروزه یکی از ویژگی‌های اداره خوب و نظام اداری و استخدامی مطلوب، شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری است. سعدی شیرازی تأکید ویژه‌ای بر اصل شایسته‌سالاری و معیارهای آن از جمله خردگرایی دارد. در یکی از حکایت‌های مندرج در باب «در سیرت پادشاهان» گلستان، داستان مَلِک زاده‌ای را حکایت می‌کند که در قیاس با سایر برادرانش «... کوتاه بود و حقیر». به گونه‌ای که «... پدر به کراهت و استحقار در وی نظر همی کرد». در این حکایت کوتاه، سعدی از زبان این شاهزاده خطاب به پدرش این‌گونه هشدار می‌دهد که «... کوتاه خردمند به از نادان بلند». به عبارت دیگر سعدی با رد معیارهای ظاهری و پسندهای شخصی و سلیقه‌ای، معیار خردمندی را بر سر دست می‌گیرد و به حاکمان نهیب می‌زند که «نه هرچه به قامت مهتر، به قیمت بهتر» (سعدی، ۱۳۷۵، ۳۶). از نظر او سنجه شایستگی و ارزش افراد، دانایی آن‌ها است. فلذا کَمِیتِ پایین واجد شایستگی را نسبت به کَمِیتِ بالای فاقد شایستگی، ترجیح می‌دهد و تمثیلاً می‌سراید که؛

«آن شنیدی که لاغری دانا

گفت باری به ابلهی فربه

اسب تازی اگر ضعیف بُود

همچنان از طویله‌ای خر به» (سعدی، ۱۳۷۵، ۳۶ و ۳۷).

در ادامه این حکایت، سعدی شیرازی به یک نمونه از آثار مطلوب شایسته‌گزینی و خردگرایی اشاره می‌کند و داستان را این گونه ادامه می‌دهد که برای این پادشاه، دشمنی سختی پیش آمد و جنگی علیه او تحمیل گردید. در این جنگ «... اول کسی که اسب در میدان جهانید این پسر بود» (سعدی، ۱۳۷۵، ۳۷). در واقع سعدی شیرازی می‌خواهد تأکید کند که شایسته‌گزینی در همه حال به نفع حکومت است و شایستگان خردمند، نه فقط در روز صلح که در روز جنگ هم به کار می‌آیند. از این حیث بار دیگر از زبان این پسر و خطاب به آن پدر می‌سراید که؛

«ای که شخصِ مَنّتِ حقیر نمود

تا درشتی هنر نپنداری

اسب لاغر میان به کار آید

روز میدان، نه گاو پرواری» (سعدی، ۱۳۷۵، ۳۸).

سعدی در ادامه این حکایت، به لزوم صیانت از خردمندان و شایستگان در مقابل سعایت و بداندیشی نابخردان تأکید می‌کند. کوتاه‌فکران و حسودان و بدخواهان همیشه هستند و همیشه برای حذف شایستگان در حال دسیسه‌اند. پس داستان به اینجا می‌رسد که «برادران حسد بردند و زهر در طعامش کردند» (سعدی، ۱۳۷۵، ۳۸). البته در این حکایت، گویی سعدی نمی‌خواهد شخصیت خردمند داستانش پایانی سیاه داشته باشد. چراکه داستان را به سمتی می‌برد که پسر خردمند حکایت، زنده بماند؛ «... پسر دریافت و دست از طعام باز کشید». تا از این طریق درسی دیگر به حاکمان دهد که به فکر حمایت از شایستگان باشند. پس داستان را این گونه پیش می‌برد که «پدر را از این حال آگهی دادند. برادرانش را بخواند و گوشمالی به واجب داد» (سعدی، ۱۳۷۵، ۳۹).

به غیر از این حکایت، سعدی در حکایت دیگری نیز ضمن تأکید تلویحی بر جوان‌گرایی، بر خردگرایی و شایسته‌گزینی نیز تأکید کرده است. او از سرهنگ‌زاده‌ای حکایت می‌کند که «... عقل و کیاستی و فهم و فراستی زایدالوصف داشت» و «هم از عهد خردی آثار بزرگی در ناصیه او پیدا» (سعدی، ۱۳۷۵، ۴۵). به گونه‌ای که؛ «بالای سرش ز هوشمندی / می‌تافت ستاره بلندی» (سعدی، ۱۳۷۵، ۴۵). در این حکایت، سلطان، این هوشمند را بر می‌گزیند و سعدی نیز این گونه بر این گزینش مهر تأیید می‌زند که؛ «توانگری به هنر است نه به مال، و بزرگی به عقل است نه به سال» (سعدی، ۱۳۷۵، ۴۵). در واقع سعدی در این بیان پُر مغز، ایده شایسته‌سالاری خود را نه بر مبنای ثروت و پولوتوکراسی و نه بر مبنای پیرسالاری و شیخوخیت، بلکه بر محور هنر و عقل شکل می‌دهد.

خردگرایی در اندیشه سعدی در سایر فصول گلستان نیز موج می‌زند؛ او در باب هشتم گلستان تحت عنوان «در آداب صحبت» تصریح کرده است که «مُلک از خردمندان جمال گیرد... پادشاهان به نصیحت خردمندان از آن محتاج‌ترند که خردمندان به قُربت پادشاهان» (سعدی، ۱۳۷۵، ۳۰۰). باور سعدی به شایسته‌سالاری که در خردگرایی او جلوه‌گر شده است در ابیات زیر به‌عنوان بهترین پند حکمرانی معرفی شده است؛

«پندی اگر بشنوی ای پادشاه

در همه عالم به ازین پند نیست

جز به خردمند مفرما عمل

گرچه عمل، کار خردمند نیست» (سعدی، ۱۳۷۵، ۳۰۰).

در ابیات فوق، نوعی تعارض ظاهری مشاهده می‌شود؛ از یک سو تأکید دارد که عمل را جز به خردمند مفرما و از سوی دیگر تأکید دارد که عمل، کار خردمند نیست. این تعارض ظاهری، معنایی ژرف در دل نهفته دارد؛ نکته ظریفی که سعدی به ظرافت بر آن تأکید کرده است لزوم سپردن اتاق فکر امور به خردمندان از یک سو و پرهیز از وارد ساختن آنان در عرصه اجرا و عمل از سوی دیگر است. گویی سعدی جایگاه خردمندان را ورای امور روزمره اجرایی تصور می‌کند و آنان را در مسند سیاست‌گذار و تصمیم‌ساز می‌پسندد. فلذا عمل اول که توصیه می‌کند به خردمندان واگذار شود، ساحت سیاست‌گذاری و اتاق فکر حکمرانی است و عمل دوم که کار خردمندان نیست، عمل در معنای اولیه آن است که عبارت است از امور اجرایی حکومتداری. سعدی در جای دیگری از باب «در آداب صحبت» گلستان، مُلک و حکومت خردگریز و نادان را «سلاح جنگ خدا» معرفی کرده است؛ «تمیز باید و تدبیر و عقل و آنگه مُلک/ که مُلک و دولت نادان، سلاح جنگ خداست» (سعدی، ۱۳۷۵، ۳۲۴). در بوستان نیز بر لزوم تناسب مسئولیت و تجربه تأکید می‌کند؛

«گرت مملکت باید آراسته

مده کار مُعظّم به نوحاسته

... به خردان مفرمای کار درشت

که سندان نشاید شکستن به مشت

... نخواهی که ضایع شود روزگار

به ناکار دیده مفرمای کار» (سعدی، ۱۳۷۰، ۷۵).

## ۱۰- اصل رعایت انتظارات موجه

یکی از اصول مدرن حقوق عمومی و به‌طور خاص حقوق اداری، اصل رعایت انتظارات موجه یا مشروع<sup>۸</sup> است. انتظارات موجه، «... مطالبات و انتظاراتی منطقی هستند که در روابط بین افراد با کارگزاران عمومی و به‌ویژه مقامات دولتی، در اثر تصمیمات، اعلامات، سیاست‌ها و رویه‌های اداری و اجرایی به وجود آمده، به گونه‌ای که کنار گذاشتن و بی‌توجهی به آن‌ها، با تضييع تمايلات منطقی سابق، سبب ورود خسارت یا فوت منفعت مخاطبان ذی‌نفع می‌گردد» (Craig, 1992, 81). به این لحاظ حمایت از این انتظارات و متعهدسازی مقامات عمومی در قبال آن‌ها، ضروری است.

قرابت تحلیل سعدی به مفهوم انتظارات موجه در یکی از حکایات‌های گلستان جای شگفتی دارد. چراکه «... به ظاهر اولین مباحثات در خصوص انتظار مشروع در اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی در آلمان اتفاق افتاده است...» (زارعی و بهنیا، ۱۳۹۰، ۱۵۶). سعدی در یکی از حکایات باب «در سیرت پادشاهان»، داستان یکی از ملوک را روایت می‌کند که بعد از یک روز عیش و نوش، از سرِ مستی می‌گوید که؛ «ما را به جهان خوشتر از این یک دم نیست / کز نیک و بد اندیشه و از کس غم نیست» (سعدی، ۱۳۷۵، ۵۴). از قضا درویشی برهنه که در سرمای آن شب در بیرون خفته بود این سرمستی شاه به گوشش می‌رسد. پس می‌گوید که؛ «ای آن که به اقبال تو در عالم نیست / گیرم که غمت نیست، غم ما هم نیست؟» (سعدی، ۱۳۷۵، ۵۵). شاه این سخن درویش را می‌شنود و بر دلش می‌نشیند. پس از پنجره بیرونی، کیسه هزار دیناری به او می‌بخشد و به او می‌گوید که «دامن بدارای درویش». به این معنا که‌ای درویش از اینجا برو. درویش گفت: «دامن از کجا آرم که جامه ندارم». با این بیان باز هم دل شاه به رحمت آمد و «... خلعتی بر آن مزید کرد و پیشش فرستاد»، اما درویش بعد از مدت اندکی آن نقد و این جنس را مصرف کرد و دوباره بر در سرای شاه آمد، اما این بار شاه حوصله و نشاط قبلی را نداشت. پس «به هم برآمد و روی در هم کشید» (سعدی، ۱۳۷۵، ۵۵) و گفت: «این گدای مبدّر را که چندان نعمت به چندین مدت برانداخت برانید...» (سعدی، ۱۳۷۵، ۵۶). در این بین سعدی حکیم، حکمتی را از زبان یکی از وزرای شاه بیان می‌کند. وزیر روی به شاه کرده و به او تذکر می‌دهد که «... مناسب سیرت ارباب همت نیست یکی را به لطف امیدوار کردن و باز به ناامیدی خسته گردانیدن» (سعدی، ۱۳۷۵، ۵۶). مفهوم این آموزه والا، همان است که امروزه از آن تحت عنوان رعایت انتظارات موجه یاد می‌شود.

## ۱۱- اصل تناسب

در حقوق اداری، اصل تناسب<sup>۱</sup> به لزوم برقراری توازن میان هدف از اعطای صلاحیت‌های اختیاری و وسیله یا روش انتخابی توسط مقام اداری تأکید دارد؛ بنابراین «اصل تناسب ابزاری است برای ایجاد تعادل بین اقدامات و اهداف» (Kavanagh, 2009, 233). این اصل نیز از سال ۱۹۵۰ میلادی در زمره اصول کلی حقوق اتحادیه اروپایی قرار گرفته است (زارعی و مرادی‌برلیان، ۱۳۹۳، ۱۴۵). سعدی در باب «در آداب صحبت» گلستان به ظرافت به هنجاری اشاره کرده است که قرابت مفهومی آن با اصل تناسب شگفت‌آور است؛ او می‌گوید: «چون در امضاء کاری متردد باشی، آن طرف اختیار کن که بی‌آزارتر بر آید» (سعدی، ۱۳۷۵، ۳۰۴). بیان سعدی شیرازی در توضیح این هنجار، چندان تفاوتی با بیان حقوق‌دانان امروز حقوق اداری در تبیین اصل تناسب ندارد؛ «اگر اداره از گزینه‌های متعددی برای رسیدن به هدف مورد نظرش برخوردار باشد، باید آن گزینه‌ای را انتخاب کند که کمترین زحمت را بر افراد تحمیل کند» (هداوند و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۳۱). سعدی در بوستان نیز مفهوم این هنجار را در قالب یک بیت سروده است که؛ «چو کاری بر آید به لطف و خوشی / چه حاجت به تندی و گردن‌کشی؟» (سعدی، ۱۳۷۰، ۷۹).

## ۱۲- آزادی نقد

آزادی بیان در نظام حقوق بشر معاصر یکی از آزادی‌های فکری مهم و تأثیرگذار در مشارکت سیاسی، نظارت عمومی بر دولت و پاسخ‌گویی آن است. سعدی در خصوص انتقادپذیری و سعه صدر حکومتی، در بوستان حکایتی از مأمون عباسی نقل می‌کند که یکی از کنیزکان او از بوی بد دهان او از او روی می‌گرداند. پس مأمون اگرچه ابتدائاً از او دلگیر می‌شود اما در نهایت این بوی بد را درمان می‌کند؛ «دلش گرچه در حال از او رنجه شد/ دوا کرد و خوش بوی چون غنچه شد» (سعدی، ۱۳۷۰، ۶۶) و از آن پس آن کنیزک را ندیم خود می‌کند؛ «پریچهره را همنشین کرد و دوست / که این عیب من گفت یار من اوست» (سعدی، ۱۳۷۰، ۶۶) «تُرُش روی بهتر کند سرزنش / که یاران خوش طبع شیرین منش» (سعدی، ۱۳۷۰، ۶۵) سعدی از این حکایت این‌گونه نتیجه می‌گیرد که؛

«به نزد من آن کس نکو خواه توست / که گوید فلان خار در راه توست

به گمراه گفتن نکو می‌روی / جفایی تمام است و جوری قوی

... چه خوش گفت یک روز دارو فروش / شفا بایدت داروی تلخ نوش» (سعدی، ۱۳۷۰، ۶۶)  
 «بدان کی ستوده شود پادشاه / که خلّش ستایند در بارگاه؟» (سعدی، ۱۳۷۰، ۶۴)

## نتیجه

به‌رغم این واقعیت که گفتمان حقوق عمومی مدرن در قرون اخیر و در پی تحولات گوناگون تاریخی، فکری، سیاسی و اجتماعی و در جغرافیای غرب پدید آمده است، ریشه‌های برخی از آموزه‌های این گفتمان در دوره‌های تاریخی پیش از قرون جدید و در جغرافیای شرق نیز قابل ردیابی است. به‌طور خاص، تاریخ اندیشه و فرهنگ ایران‌زمین، گزارش‌های شگرفی از وجود اندیشه‌های دولت‌پژوهانه ارائه می‌کند که متأسفانه کمتر مورد توجه پژوهشگران حقوق عمومی قرار گرفته‌اند. اندیشه‌های سعدی شیرازی یکی از این نمونه‌ها است. سعدی به‌رغم زیستن در زمانه دولت‌های غیردموکراتیک و عدم تجربه گفتمان مردم‌سالاری، آموزه‌هایی قریب به مضامین امروزی حقوق عمومی دارد. باور به ریشه مردمی حکومت به‌عنوان شرط مشروعیت و بقاء آن، تأکیدهای مکرر بر رعایت حقوق مردم و مردم‌گرایی و ذکر آثار این منش و روش حکومتی از جمله حفظ نخبگان و جذب سرمایه، توسعه رفاه اقتصادی و نشاط اجتماعی و اشارات ظریف به ایده‌هایی که امروزه از آن‌ها به اصل تناسب و اصل رعایت انتظارات موجه تعبیر می‌شود، از جمله همدلی‌های سعدی شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن است.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، توجه بیش از پیش به داشته‌های ادبی و فکری اندیشمندان تاریخ فرهنگ و تمدن ایران از سوی جامعه حقوق عمومی کشور و به‌ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی این رشته در مقام تدوین مقالات علمی و نگارش پایان‌نامه ضروری است. این توجه می‌تواند در کنار ارتقاء خودآگاهی ملی پژوهشگران و دانشجویان حقوق عمومی کشور، ریشه‌های فرهنگی و جامعه‌شناختی بسیاری از مسائل حقوق عمومی کشور را نیز با نگاهی آسیب‌شناسانه تبیین نماید.

## تعارض منافع

تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

## منابع

- افخاری، اصغر، ۱۳۸۵، معنا و مفهوم مصلحت در اندیشه سیاسی ایرانی، **دوفصلنامه دانش سیاسی**، شماره ۳.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه و سنگکی، سمیه، ۱۳۹۱، تعلیم الگوی حکومت در کلیله و دمنه و گلستان سعدی،

### پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۱۳.

- رهبر، عباسعلی؛ اسلامی، روح‌اله؛ ذوالفقاریان، فاطمه، ۱۳۸۹، سازه‌های معناگرا در حکومت‌مندی بوستان

سعدی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۲۹.

- زارعی، محمدحسین و بهنیا، مسیح، ۱۳۹۰، تأملی بر امکان اِعمال اصل انتظارات مشروع در دیوان عدالت اداری، مجله راهبرد، شماره ۶۱.

- زارعی، محمدحسین و مرادی برلیان، مهدی، ۱۳۹۳، مفهوم و جایگاه اصل تناسب در حقوق اداری با نگاه ویژه به نظام حقوقی اتحادیه اروپایی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۶.

- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین، ۱۳۷۰، بوستان سعدی، به تصحیح محمدعلی فروغی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین، ۱۳۷۵، گلستان سعدی، تهران، نشر کانون انتشارات پیام عدالت.

- سن، آمارتیا، ۱۳۹۴، توسعه به‌مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- صفری‌نژاد، حسین، ۱۳۸۹، بررسی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی سعدی، فصلنامه ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۲۸.

- طباطبائی، سیدجواد، ۱۳۷۵، زوال اندیشه سیاسی در ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- ظهیری‌ناو، بیژن و پاک‌مهر، عمران، ۱۳۸۷، اندیشه‌های سیاسی و حکومتی سعدی در بوستان و گلستان، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۸.

- فقیه‌ملک‌مرزبان، نسرين و فردوسی، مرجان، ۱۳۹۱، گفتمان حکومتی در گلستان سعدی، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۳.

- گراوند، علی؛ سهراب‌نژاد، علی‌محمد؛ قاسمی، یارمحمد، ۱۳۹۶، بازتاب مشارکت اجتماعی در بوستان سعدی، مجله جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۳.

- گرجی‌ازندریانی، علی‌اکبر، ۱۳۹۳، مبانی حقوق عمومی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات جنگل.

- مختاری، محمد، ۱۳۷۸، انسان در شعر معاصر، چاپ دوم، تهران، انتشارات توس.

- منصف، عبدالعلی؛ معلمی، مژگان؛ بیابانی، جهانگیر؛ نجاتی، مهدی؛ طاهری‌زاده اناری‌پور، جواد، ۱۳۹۸، بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر شادی در کشورهای منتخب: رهیافت رگرسیون آستانه‌ای پانل،

فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۳۶.



- نورایی، الیاس، ۱۳۹۱، تحول مفهوم عدالت و رابطه آن با سیاست در گلستان سعدی، **فصلنامه سبک‌شناسی**

**نظم و نثر فارسی (بهار ادب)**، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۶.

- هداوند، مهدی؛ نجابت‌خواه، مرتضی‌آقایی، مسلم؛ شمس، عرفان؛ همتی، مجتبی؛ یزدانی، هرمز؛ جم، فرهاد؛

مشهدی، علی، ۱۳۹۱، **آیین‌های تصمیم‌گیری در حقوق اداری (مطالعه تطبیقی)**، تهران،

انتشارات خرسندی.

#### لاتین

- Craig, Paul, 1992, Legitimate Expectations: A Conceptual Analysis, **The Law Quarterly Review**, Vol. 108.
- Kavanagh, Aileen, 2009, **Constitutional Review Under the UK Human Rights Act**, Cambridge University Press.

# Legal Civilization

No.10-Spring 2022

- Civil liability of the Official expert of the Judiciary in Iranian and French Law with Emphasis on Judicial Procedure - **Hasan Badini, Sepideh Razi, Mohamad Mehdi-pour**
- Saadi Shirazi's Compatibilities with the Teachings of Modern Public Law **Majid Najjarzadeh Hanjani**
- Criminal Protection of the Right to the Environment **SHima Naderi, Majid Motallebi**
- The Role of Civic Society in Citizenship Rights' Establishment **Farzaneh Dashti, Abdolkarim SHAheydar**
- The Effects of Increasing the Capital of Joint Stock Companies in Iranian and American Law **Afshin Mojahed**
- Judicial Challenges in Combating Environmental Crimes in Iranian Criminal Law **Esmaeil Kashkoulia, Abass Sheikh-holeslami**
- International Aviation Law Approach to Liability for Corona Virus Transmission in Aviation **Yeganeh Sadat Safavi**
- Effects of Government Contracts on Iranian and British Law **Mohammad Reza Burbur**
- Mediation, Participatory Justice System, third Generation Criminal Justice System and Litigation Rights - **Sadegh Fetili, Sayyed Mohammad Salehi**
- Value and Validity of Expert Theory in Iranian and French Law **Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Maisam Sobhani**
- Environmental Policy Approach in Reducing Risks; Strategies and Approaches **Zahra Tallieolia, Davud Khorramdel**
- Efficient Jurisprudential Rules in the Responsibility of Wasting People's Time **Hamid Soleymani, Rahime Abbasi - Bonari**
- the Role of UN Agencies in Preventing Environmental Pollution from Waste as Global Biosecurity **Rostam Ali Akbari, - Sayyed Mehdi Mousavi**
- Fundamentals of Correcting Non-Common Contracts in the Era of Legislation by Relying on Religious Rerms and Generalities **Sayyed Alireza Amin**
- New Reproductive-Biological Technologies and Child Rights: An Introduction to the Future of Childhood in Iran - **Maryam SHA'ban**
- Pathology of Determining the Punishment in Family Crimes in Fifth Book of the Islamic Penal Code (Tazirat) Approved in 1996; From Explaining the Damage to Providing Solutions **Mahdi Mozafari Anari, Mohammad Amini Zadeh, Ali Arefi Maskoni**
- The Principle of Correctness in Transactions with Emphasis on the Possibility of its Flow in Legal Doubts **Maedeh - Chini Saz, Omid Mohammadi, Ghasem Shaabani**
- About the Theory of Invalidity of Preliminary Investigations in the Iranian Criminal Proceedings (According to the Code of Criminal Procedure Approved in 2014) **Masoud Fadaei Dehcheshmeh, Amir Soleimani, Homeira Taheri**
- A Reflection on the Law Governing the Contractual Obligations of the Insurance Contract in Iranian and American Law - **Farzad Karami kolmoti, Hamed Babaei**
- Investigating the Establishment of Bailment in the British and American Legal Systems and its Application to the Trust - Institution in Iranian Law **Nastaran Arzainan, Mahsasadat Nabavi**
- Criteria for Separating the Crime of Kidnapping from Similar Crimes in the Iranian Penal System **Ahmadreza - Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi, Ali Paidarfard**
- An Introduction to the Principles and Obstacles of Extradition in International Law **Reza Alipanah**
- Corona Virus Effects on Juvenile Delinquency with Respect to USA Law **Peyman Dolatkah Pashaki**
- Manifestations of Change in the Differential Criminal Policy of the Crimes of the Armed Forces of Iran and the United - States of America by the Method of Impunity and Decriminalization **Yasser SHakeri, Alireza Salehi, GHolam Hosein Rezaei**